****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**وقتی ترامپ در سرزمین آفتاب، ترامپیست‌های وطنی را سرخورده کرد/رضا کدخدازاده**

روزنامه ستاره صبح: در چند سال اخیر علی‌رغم وجود تجربیات تلخ داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی از حضور و دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور، این ایده در بین برخی در ایران شکل گرفته که با توسل جستن از بیگانه به سمت آزادی، دموکراسی، رفاه و مدرنیته حرکت کنیم و به تعبیری که در ادبیات عامه وجود دارد ایران را از این راه گل و بلبل کنیم! این ایده بیشتر در میان اپوزوسیون خارج‌نشین پُررنگ است، با این حال اما در ایران نیز کم نیستند افرادی که تا این حد احساسی و در مواردی منبعث از کینه نسبت به حاکمیت کنونی ایران، از دخالت بیگانه در ایران استقبال می‌کنند. اینکه از واژه‌ی کینه استفاده کردم بدین خاطر است که هستند افرادی که منتقد صفر تا صد حاکمیت کنونی ایران هستند اما با این حال حتی یک درصد هم به تحقق این ایده‌ی خطرناک فکر نمی‌کنند که حاکمیت کنونی به بهای اشغال کشور به دست یک قدرت بیگانه تضعیف شود. اما برخی به قدری در تحلیل خود احساسات مبتنی بر کینه را نسبت به حاکمت جمهوری اسلامی اِعمال می‌کنند که به قیمت نابودی ایران نیز حاضرند حکومت تغییر کند! اینکه بذر این میزان از کینه چگونه و چرا در نهان این افراد کاشته و داشته شده، خود گفتار دیگری را می‌طلبد که هدف این نوشتار نیست اما به هر حال اگر حتی نه به عنوان یک ایرانی بلکه به عنوان یک ناظر بی‌طرف به این موضوع بنگریم، به خوبی مشاهده خواهیم کرد که هیچ بیگانه‌ای دلش به حال دولت و ملت دیگری نسوخته و نمی‌سوزد و منافع ملت دیگری را به منافع خودش ترجیح نمی‌دهد. در دو، سه سال گذشته به ویژه ماه‌های اخیر که تنش‌های میان آمریکای ترامپ با ایران به اوج خود رسیده است، کم نبودند افرادی که بیشتر از «ملانیا ترامپ»، بانوی اول ایالات متحده آمریکا و همسر رئیس جمهور این کشور، عاشق و شیفته‌ی این تاجر و ملّاک «برجام»کُش شدند! «ترامپیست»های وطنی که در بین آنها، هم از اعضای مجاهدین خلق (منافقین) به چشم می‌خورَد؛ هم اپوزوسیون برآمده از حاکمیت کنونی مانند «نورالدین پیرمؤذن» نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی هست که همه روزه در صفحه اجتماعی‌اش برای آغاز جنگ ایران و آمریکا با دمش گردو می‌شکند؛ و هم اپوزوسیون خارج‌نشینی امثال «معصومه علی‌نژاد» با نام مستعار «مسیح علی‌نژاد» که به دیدار جان بولتون -یکی از جنگ‌طلب‌ترین و ضد‌ایران‌ترین چهره‌های سیاسی آمریکا- می‌رود و به ترامپ «نامه‌ی فدایت شوم» می‌نویسد که ایران را -در واقع ملت ایران را- تحریم کن تا بلکه جمهوری اسلامی ساقط شود! موضوعی که اما بهانه این نوشتار است هیچ یک از افراد بالا نیست؛ بلکه اتفاق جالبی است که «رضا پهلوی» فرزند آخرین پادشاه ایران رقم زده و به نوعی بدان معترف شده است: «اینکه حال و اوضاع ایران و ایرانی را فقط و فقط «ملت ایران» است که می‌تواند خوب کند نه بیگانه یا با دخالت بیگانه!». همان ملتی که چند سال پیش با آری گفتن به «برجام» نشان داد اهل گفتگو و از آن مهم‌تر صلح‌جو و صلح‌خو است؛ اما چه کنند که دیوانگانی بازی‌شان را بر هم زدند و آنها را درگیر مشکلات ریز و درشت پسابرجامی کردند. ماجرا از این قرار است که در هفته‌های گذشته که دونالد ترامپ عزم جنگ با ایران کرده بود و ناو جنگی به خلیج فارس فرستاد، رضا پهلوی در اقدامی عجیب و احتمالاً برای طلب سهمش در فردای پس از اشغال ایران و خلع قدرت نظام کنونی، به دیدار «لویی گومرت» -که یکی از جنگ‌طلب‌ترین نماینده‌های کنگره و از حامیان اصلی خروج آمریکا از برجام و جنگ با ایران است- رفت که حتی انتقاد افراد و جریان‌های حامی سلطنت را نیز برانگیخت. چراکه دیدار با کسی که حامی حمله نظامی به ایران است، با هیچ متر و معیاری قابل توجیه نیست. از خوشحالی امثال او و به ویژه جنگ‌طلبان -که در روزها و هفته‌های اخیر صدای شیپور آغاز جنگ بیش از هر زمانی سرمست‌شان کرده بود که این ترامپ قرار است منجی و مجری رسیدن آن به امیال‌شان شود- خیلی نگذشته بود که وی در ژاپن در تغییر رویکردی عجیب اظهار کرد: «خواهان تغییر رژیم ایران نیست و با همین حاکمیت فعلی، جایگاه ایران را به رسمیت می‌شناسد و با رهبران کنونی‌اش نیز امکان ورود به اقتصاد جهانی برایش وجود دارد.» در پی همین صحبت‌های ترامپ، بسیاری از جمله «رضا پهلوی» که آمال و آرزوهای زمینی و آسمانی خود را در خورجین ترامپ گذاشته بودند، فهمیدند که امید بستن به بیگانه چیزی جز «خیانت» و «خودفروشی» نیست و بیشترین ضرر در این معامله‌ی ضدملی را از قضا بیش از هر کسی خودِ خائنین و خودفروشان بر دوش خواهند کشید! اینجاست که دست به دامان «ملت» می‌شوند و در موضعی که سرخوردگی و سرشکستگی از سر و روی آن می‌بارد، به صراحت اعتراف می‌کنند: «تنها قدرت تعیین‌کننده در ایران «قدرت ملت» است. بدانید که هیچ دولتی دلش به حال ایران نسوخته و نمی‌سوزد. هیچ خارجی[ای] منافع ملت ایران را به منافع خودش ترجیح نمی‌دهد. هیچ دولتی هم هرگز نمی‌تواند سرنوشت ایران را بر خلاف خواست «ملت ایران» تعریف کند.» روزی که برجام پیام‌آور شادی و امید برای ایرانیان شد، یادتان هست کسانی که این امید و شادی را بر ما برنمی‌تابیدند چه اوضاع غمینی داشتند؟! حالا نیز که با این اظهارات ترامپ -که البته با توجه به سابقه‌ی خرابی که دارد، اظهاراتش در ژاپن بیش از آنکه «بوی بهبود ز اوضاع جهان دهد» بوی تناقض و جهالتش در سیاست را می‌دهد- دست کم سایه حمله‌ی نظامی به ایران کمی از آن دور شده، خوب فضا را رصد کنید! همان‌ها باز ناراحتند؛ همان‌ها که دل‌های‌شان پر ز کینه است، همان‌ها که هدف‌شان را -که صرفاً وارد شدن ضربه‌ای به نظام سیاسی کنونی ایران است- با وسیله‌ای به نام جنگ و حمله نظامی آمریکا به ایران نیز توجیه می‌کنند! البته که کمتر ایرانی‌ای است که از «جنگ تحمیلی» بهراسد و از «دفاع مقدس» بگریزد، اما تجربه تلخ تاریخی ما و حافظه تلخ ابناء بشر، ما را بر آن می‌دارد که هیچ‌گاه، هیچ‌گاه و هیچ‌گاه به پیشواز «این خونبار ناهنجار» نرویم! که نفرین بر جنگ... که مباد جنگ...

نوشته شده توسط تحریریه آذری ها